

مقاله پژوهشی

## بررسی و تحلیل سبک‌شناسی نسخه خطی «مرآت‌السالکین» اثر «میربابا درویش نقشبندی»

محمد تقی مقصودی، احمد رضا یلمه‌ها\*

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

اسفند ۱۴۰۰، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۷۰، صفحات ۹۳-۱۱۱

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۴.۵۷۰۱

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی  
(بهار ادب)

### چکیده:

**زمینه و هدف:** نسخه‌های خطی از گنجینه‌های ارزشمند میراث فرهنگی هر ملت و حاصل جهان‌بینی هریک از شاعران و نویسندگان است. احیای دست‌نوشته‌های کهن و زودن گرد فراموشی از سیمای متون قدیمی و شناسایی آفریننده این آثار اهمیت شایانی دارد. نسخه خطی «مرآت‌السالکین» اثر «میربابا درویش نقشبندی» یکی از این آثار ارزشمند است که بدلیل بکار بردن اصطلاحات صوفیه و عرفانی بویژه طریقه نقشبندی و معرفی برخی از بزرگان این طریقه و آداب رسوم و اعتقادات نقشبندی می‌تواند در شناخت این طریق صوفیه مؤثر باشد. این تحقیق علاوه بر معرفی این نسخه خطی و مؤلف آن، به بررسی ویژگیهای سبکی در این اثر می‌پردازد.

**روش مطالعه:** این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها:** نسخه خطی «مرآت‌السالکین» اثر «میربابا درویش نقشبندی» به شماره ۵۶۲۹ در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری میشود. «میربابا پسر میر درویش نقشبندی» یکی از عارفان و نویسندگان و شاعران باذوق، ولی ناشناخته قرن دوازدهم قمری است. این اثر توسط کاتبی نامعلوم در سال ۱۱۱۸ ه.ق به خط نسخ کتابت شده و مشتمل بر ۴۳۰ صفحه است. البته نسخه فوق پس از نگارش توسط کاتب و یا دیگری مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته که در حاشیه متن تصحیح شده و اغلب با خطزدگی ترمیم و اصلاح گردیده است.

**نتیجه‌گیری:** کتاب مرآت‌السالکین دربردارنده مسائل عرفانی صوفیه، مطالب نثر و نظم، شامل آیات، احادیث، قصاید و غزلیات است. میربابا در این اثر با طرح عناوین مختلف عرفانی، حکایات و داستانهای منظوم که آمیخته به آیات، احادیث، امثله، مباحث و موضوعات اعتقادی و عرفانی است، به شرح مطالب خود به روش تمثیل می‌پردازد. نویسنده این اثر، در اغلب موارد به کتب طریقه نقشبندی و به اشعار و کتاب سلسله‌الذهب جامی و مثنوی مولوی توجه زیادی داشته است و در برخی موارد از اشعار خود در متن آورده که عمده این اشعار نادرست آمده است. همچنین گاه شعر دیگران به غلط به شاعران دیگری نسبت داده شده است. درآمیختگی نظم و نثر، کاربرد فراوان آیات، احادیث و کلمات عربی از ویژگیهای خاص نثر این نسخه میباشد. کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی و صوفیه خصوصاً اصطلاحات طریقت نقشبندی از دیگر تمایزات سبک‌شناسی نثر این نسخه است.

تاریخ دریافت: ۰۱ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۰۴ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۶ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۷ فروردین ۱۴۰۰

### کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، مرآت‌السالکین،  
میربابا درویش نقشبندی، نقشبندیه

\* نویسنده مسئول:

ayalameha@yahoo.com

۵۳۳۳۷۹۲۲ (۰۹۸ ۳۱)



## ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

## Stylistic study and analysis of the manuscript of "Meraat Al-Salkin" by "Mir Baba Darvish Naqshbandi"

M.T. Maghsoudi, A.R. Yalmeha\*

Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

## ARTICLE INFO

## Article History:

Received: ۲۰ January ۲۰۲۱  
 Reviewed: ۲۲ February ۲۰۲۱  
 Revised: ۰۶ March ۲۰۲۱  
 Accepted: ۲۷ March ۲۰۲۱

## KEYWORDS

Stylistics, Meraat Al-Salkin,  
 Mir Baba Darvish Naqshbandi,  
 Naqshbandieh

\*Corresponding Author

✉ [ayalameha@yahoo.com](mailto:ayalameha@yahoo.com)

☎ (+۹۸ ۳۱) ۵۳۳۷۹۲۲

## ABSTRACT

**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Manuscripts are valuable treasures of the cultural heritage of each nation and the result of the worldview of each of the poets and writers. It is very important to revive the ancient manuscripts and remove the oblivion from the appearance of ancient texts and to identify the creator of these works. The manuscript of "Meraat Al-Salkin" by "Mir Baba Darvish Naqshbandi" is one of these valuable works that due to the use of Sufi and mystical terms, especially the Naqshbandi method and the introduction of some of the greats of this method and the customs and beliefs of Naqshbandi can be recognized in this Sufi way. Be effective. In addition to introducing this manuscript and its author, this research examines the stylistic features of this work.

**METHODOLOGY:** This article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical manner.

**FINDINGS:** The manuscript of "Meraat Al-Salkin" by "Mir Baba Darvish Naqshbandi" No. ۵۶۲۹ is kept in the library of the University of Tehran. "Mir Baba, son of Mir Darvish Naqshbandi" is one of the mystics, writers and poets with taste, but unknown in the twelfth lunar century. This work was written by an unknown scribe in ۱۱۱۸ AH in Naskh script and contains ۴۲۰ pages. Of course, the above version has been reviewed and corrected after being written by a scribe or someone else, which has been corrected in the margins of the text and has often been corrected with a line.

**CONCLUSION:** The book of Mir'at al-Salkin contains Sufi mystical issues, prose and poetry, including verses, hadiths, poems and lyric poems. In this work, Mir Baba describes his contents in an allegorical way by proposing various mystical titles, anecdotes and poetic stories that are mixed with verses, hadiths, proverbs, doctrinal and mystical topics. The author of this work, in most cases, has paid much attention to the books of the Naqshbandiyya method and to the poems and books of the Jami and Masnavi Rumi dynasty, and in some cases he has included in the text some of his poems that are mostly incorrect. Other poets have been attributed. In the fusion of poetry and prose, the extensive use of Arabic verses, hadiths and words is one of the special features of prose in this version. The use of mystical and Sufi words and expressions, especially the terms of the Naqshbandiyya sect, is another stylistic distinction of prose in this version.

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۴.۵۷.۱

| NUMBER OF REFERENCES                                                                      | NUMBER OF TABLES                                                                         | NUMBER OF FIGURES                                                                          |
|-------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|
| <br>۱۳ | <br>۴ | <br>۰ |

## مقدمه

وجود نسخه‌های خطی زیاد از دست‌نوشته‌ها و آثار شاعران و نویسندگان ایرانی در قرن دوازدهم در کشور هندوستان از ویژگی منحصر‌بفرد نثر این دوره است که نشانگر نفوذ زبان فارسی و گسترش آن در بیرون از مرزهای ایران است. توجه به این نسخه‌های خطی و شناساندن آنها به اهل فرهنگ و ادب فارسی و ادب‌دوستان می‌تواند در غنای فرهنگی و حفظ و گسترش تمدن ایران مؤثر واقع شود. این دست‌نوشته‌ها دربردارنده شیوه نگرش صاحب اثر به جهان هستی، روابط اجتماعی، سیاسی، عواطف انسانی و احساسات درونی و مسائل اعتقادی آن ملت هستند. یکی از راههای اطلاع و انتقال این مسائل از نسلی به نسل دیگر را میتوان ازطریق آشنایی با این آثار دانست. همین بحث اهمیت و ضرورت تصحیح، بررسی و معرفی این دست‌نوشته‌ها را در میان ملل گوناگون مطرح می‌سازد. نسخه خطی «مرآت‌السالکین» که به نثر ساده در سال ۱۱۱۸ هجری قمری در کشور هندوستان توسط «میر بابا پسر میر درویش نقشبندی» به رشته تحریر درآمده در زمره کتب عرفانی و تصوف است که در آن با بهره‌مندی از آیات الهی، احادیث، کتب بزرگان تصوف نقشبندیه و سخن شاعران بزرگی چون جامی، مولوی، و ابوسعید ابوالخیر نگاشته شده و متأسفانه تاکنون مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته است. هدف اصلی این مقاله بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی «مرآت‌السالکین» از منظر ویژگیهای ظاهری، فکری، زبانی و ادبی است.

## بحث و بررسی

### معرفی «مرآت‌السالکین» و مؤلف آن

نسخه خطی «مرآت‌السالکین» توسط «میر بابا پسر میر درویش نقشبندی» یکی از عارفان و نویسندگان و شاعران باذوق ولی ناشناخته قرن دوازدهم قمری، در حوزه عرفان و تصوف و فرقه نقشبندیه به فارسی نگاشته شده است و شامل ۲۱۵ برگ (۴۳۰ صفحه) هر صفحه ۱۵ سطر (۸×۱۳) در اندازه ۱۲\*۱۹ است. این نسخه با شماره ۵۶۲۹ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری میشود. این نسخه به خط نستعلیق و توسط کاتبی نامعلوم کتابت گردیده است. رنگ تمام خطوط یکسان نیست و مرکب مشکي و قرمز است. گاهی اندازه قلم متن اصلی ریز و درشت میشود. در مجموع از بعضی ویژگیهای رسم‌الخط که بگذریم، میتوان گفت خط نسخه کاملاً خوانا نیست. تاریخ کتابت این نسخه سال ۱۱۱۸ هجری قمری است و در زمان پادشاه گورکانی محمد اورنگ‌زیب تألیف گردیده است. بنا بر نوشته خود مؤلف، مرآت‌السالکین از دیگر کتاب او «تفحه‌المحققین» برگرفته شده و به نوعی خلاصه این کتاب است ۱.

### ویژگیهای ظاهری نسخه

\*بابها و فصلهای کتاب: این کتاب دارای چهار باب و هر باب مشتمل بر چهار فصل است: باب اول: در معرفت کمال یافتن نطفه و حقیقت کمالیت مرد و زن و بیان نفس طبع و نباتی و حیوان و انسانی و قوت‌های ایشان و خادمان ایشان. (فصل اول)، در بیان واجب‌الوجود و ممکن‌الوجود و ممتنع و مبدع و معاد. (فصل دوم)، در بیان

۱ - البته در موضوع عرفان و تصوف فارسی، اثری دیگری به نام «مرآت‌السالکین و مرقات العارفین» از فردی ناشناس وجود دارد.

آنکه حکمت در آفرینش آدم چه بود و بیان احوال وجود حیوانی و انسانی و تحلیل غذا و آفرینش مختلفه. (فصل سوم)، در تطبیق آفاق بزرگ و آفاق کوچک یعنی برابر کردن تن مردم به عالم اجسام (فصل چهارم). باب دوم: در بیان پیر کامل و حقیقت اولیاء (فصل اول) و بیان طریق سلسله عالیة نقشبندی (فصل دوم) و تعریف حقیقت احوال جناب حضرت میرسیف‌الدین محمد قدس الله سره (فصل سوم) و در حقیقت و اذکار آن و تلقین بزرگان این طریق (فصل چهارم).

باب سوم: در ذکر و اطوار آن (فصل اول)، در بیان روح و اطوار آن (فصل دوم)، در ذکر خفی واردات آن (فصل سوم)، در احوال و اقوال واصل و حقیقت عارف (فصل چهارم).

باب چهارم: در بیان حقیقت انسانی که در اهل عالمند (فصل اول)، در سماع و عقاید آن (فصل دوم)، در نماز نوافل و اوراد آن (فصل سوم)، در اکثر کلمات وردیة قدسیة طریقه نقشبندیه (فصل چهارم).

\* در آمیختگی نظم و نثر: میربابا در مرآت السالکین، با بهره‌گیری از زبان شعر پیشینیان از جمله اشعار جامی، مولوی، ابوالسعید ابوالخیر، عطار نیشابوری، شیخ محمود شبستری، سعدی و حافظ کلام خود را مزین به اشعار این بزرگان کرده است. البته در خیلی از مواقع خود نویسنده با عنوان «و قال عبدالضعیف و حقیر» اشعار و ابیاتی را به خود نسبت میدهد و یا اشعاری را از زبان «میر سیف‌الدین محمد» مراد خود بیان میکند و برخی ابیات را با عنوان «میرزا هاشم» در کتاب خود می‌آورد که ابیات بیان‌شده از پختگی چندانی برخوردار نیستند.

تعداد ابیات فارسی که از شاعران مختلف در متن کتاب آورده شده، قابل توجه است؛ اما هیچ شعر عربی در اثر دیده نمیشود. اشعار فارسی کتاب گاه یک مصراع، گاه چند بیت از یک یا چند شعر و گاه صورت کامل یک غزل، مثنوی یا یک رباعی است و به صورتهای گوناگون در کلام گنجانده شده و به هرحال بر تأثیر کلام افزوده و موجب آرایش آن گردیده است.

#### آمار اشعار موجود در کتاب مرآت السالکین

| شاعر  | مولوی | جامی | میر بابا | عطار | ملا معین | ابوسعید ابوالخیر | سعدی | حافظ | عراقی | سنایی | سایرین (۲۵ شاعر) |
|-------|-------|------|----------|------|----------|------------------|------|------|-------|-------|------------------|
| تعداد | ۵۱    | ۳۲   | ۳۷       | ۲۲   | ۱۷       | ۱۶               | ۱۳   | ۷    | ۵     | ۵     | ۴۵               |
| درصد  | ۲۰    | ۱۳   | ۱۵       | ۹    | ۷        | ۶                | ۵    | ۳    | ۲     | ۲     | ۱۸               |

مآخذ مورد استفاده مؤلف: منابعی که میربابا در تالیف مرآت السالکین از آنها بهره برده و عبارات و مطالب قابل توجهی از آنها در اثر خود گنجانده است، شامل قرآن کریم، کتب حدیث و روایات مذهبی، دیوان اشعار شاعران فارسی‌زبان است.

فهرست کتب تصوف و عرفانی که در کتاب مرآت السالکین از آنها نام و استفاده برده شده است: ۱- حلیه‌الانسان: سید جمال‌الدین احمد بن علی بن حسین. ۲- تلخیص ابلیس: ابن جوزی. ۳- ارشاد السالکین: مخدوم عماد نامی. ۴- قاموس الاعلام ترکی: بهرام بخارایی. ۵- سبعین: ابوحریره. ۶- عجایب البلدان: ابوالمؤید بلخی. ۷- معاقبت مضافات: صلاح بن مبارک بلخی. ۸- قوت القلوب: ابوطالب مکی. ۹- ریاض السالکین: سیدعلی خان مدنی. ۱۰- انوار الملکوت: علامه حلی. ۱۱- مکتوبات: مولوی. ۱۲- مناقب: خواجه محمد نقشبندی. ۱۳- رساله قدسیه: نهاء الدین نقشبند. ۱۴- طبیات. ۱۵- ۱۸ اسرار الاولیاء، تاج القصص، مصیبت‌نامه، منطق الطیر: عطار. ۱۹- سلسله الذهب: جامی. ۲۰- فرج: قاضی ابوعلی محسن بن علی تنوخی. ۲۱- عوارف المعارف: سهروردی. ۲۲- کافی: کلینی. ۲۳-

خلاصه‌النوافل: محمد العربی القروی المالکی، ۲۴- رشحات عین‌الحیاه: فخرالدین علی بن حسین واعظ کاشفی. ۲۵- فیوضات الربانیه: عبدالقادر گیلانی ۲۶- فتوح اوراد: عبدالقادر گیلانی. ۲۷- مشکات المصابیح: محمد بن عبدالله خطیب تبریزی. ۲۸- انیس الطالبین و عده‌السالکین: صلاح‌بن مبارک بخاری. ۲۹- غزلیات عراقی. ۳۰-۳۱- بوستان و گلستان سعدی. ۳۲- غزلیات صائب.

\* سیاق گفتار و لحن مخاطبه‌ای: میربابا در مرآت‌السالکین، از عبارات فارسی و عربی خطابی و نظایر آن در تحریر و تشویق مخاطب نسبت به مطالب و برانگیختن توجه بیشتر او و برقراری ارتباط نزدیکتر با وی استفاده کرده است. او مخاطب خود را با عنوان «ای سالک»، «ای طالب» و... مورد خطاب قرار داده است تا با احساس نزدیکی با آن به تأثیرگذاری کلام خود قوت ببخشد. میربابا پس از طرح مسائل اخلاقی- عرفانی، مخاطب و خواننده را مورد خطاب قرار میدهد و با بی‌توجهی به برخی از امور و پرهیز از آن و یا عمل به برخی از نصایح و توجه به نتیجه عمل، آنها را به شنونده خود گوشزد کرده، که همین موضوع باعث شده او در خیلی از جاهای کتاب خود در حکم یک بشیر یا نذیر و در لباس یک شیخ و مرشد ظاهر شود.

\* شکلهای متفاوت نوشتاری: شکلهای متفاوت نوشتاری از شاخصهایی هستند که مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته‌اند، در شناخت سبک یک اثر جایگاه ویژه‌ای دارند و در سبک‌شناسی موجب تمایز و برجستگی میشوند. گفته شده است: «نقش تفاوت‌های آوایی در سبک تنها محدود به گفتار نیست بلکه در نوشتار نیز مطرح است. نویسه‌ها (صورت نوشتاری آواها) و شکل زبان نوشتار در گذر زمان و بر حسب متغیرهای تاریخی و جغرافیایی دگرگون میشوند بررسی این دگردیسی، کار زبان‌شناسی تاریخی است» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۲۴۶).

۱- در همه موارد حرف «گ» بصورت «ک» و «پ» بصورت «ب» و حرف «ج» بصورت «ح» و حرف «ژ» بصورت «ز» بکار برده شده است: کلخن ← گلخن (۶)، نازگ ← نازک (۱۵)، کفت ← گفت / کاه ← گاه / دیگر ← دیگر (۳۲) چنانکه ← چنانکه (۴۵)، کنکی ← گنگی (۴۶)، کیتی ← گیتی (۲۳۸) پی ← بی، کپود ← کبود (۲۴۸) کندم ← گندم (۳۱۳) خواجه‌کان ← خواجه‌گان (۴۰۰) و...

۲- حرف اضافه (به) به کلمه بعد خود چسبیده است. مانند: برابر کردم مردم بعالم اجسام (۱۳)، باین ← به این (۱۹) بجناب ← به جناب / بکلیسا ← به کلیسا (۳۷۰).

۳- عدم دقت در بکار بردن نقطه در کلمات: در نقطه‌گذاری معمولاً مسامحه شده و یکی از غلطهای فراوان در این نسخه کاربرد ناصحیح نقطه‌گذاری است. تلاوت ← تلاوت (۱۱۴)، منظور ← منظور (۳۹۷).

۴- حرف نشانه «را» بصورت چسبیده نوشته شده است: صاحب دلیرا ← صاحب دلی را (۱۲۳)، این کار دلرا ← این کار دل را (۱۲۴)

۵- پیشوند «بی» در اکثر موارد به کلمه بعد خود متصل گردیده است: بیسلاحی ← بی سلاحی / بیخدمت ← بی خدمت (۳۷۲)

۶- در بیشتر کلمات مختوم به «ه»، «ه» های ملفوظ نوشته نشده و به «ی» تبدیل گردیده است: شاهد ← شاید (۲۵)، مشابه ← مشابه (۴۴)

۷- «می» در کاربرد افعال، بصورت چسبیده آورده شده است: میپنداری ← می پنداری (۱۲۳) میوزد ← می وزد (۲۸۳)

۸- حرف ندا «ای» به منادای خود چسبیده است: ایذات تو مزین مسند پیغمبری (۷).

- ۹- به جای «ای» همزه آمده (ء) آمده است: بوده ← بوده‌ای (۸۰).
  - ۱۰- افتادگی حروف و یا واج در برخی کلمات: دختی ← طور: ← طیور (۳۶۳).
  - ۱۱- جدانویسی واژه‌هایی که باید سرهم نوشته شوند: سا لک ان ← سالکان (۲۳۸)، بی نم ← بینم (۲۵۱).
  - ۱۲- در زیر واج سین هنگام کشیده‌نویسی علامت سه نقطه گذاشته شده است.
  - ۱۳- در برخی موارد کلمات سهواً تکرار شده است: در جوش شد شد (۸۲)، که که حنبد چون درخت ز جایی (۳۱۵).
  - ۱۴- استعمال افعال با رسم الخط قدیمی: خرشید ← خورشید (۷) خورم ← خرم (۳۴۵).
  - ۱۵- در خیلی موارد به جای قید «همه»، «هم» استفاده شده است: هم را نظر کنیم (۴۸).
  - ۱۶- بکاربردن مصدر واژه به جای فعل (مصدر بدون شناسه): داشتن ← داشتند (۷۰) / می‌فرمودن ← می‌فرمایند (۸۱).
  - ۱۷- کاربرد «ه» به جای نقش‌نمای «-□-»: سنگه ← سنگه (۵۴).
- \*وجود غلطهای املائی فراوان: در مرآت‌السالکین مواردی از اغلاط املائی مشاهده میشود که برخی از آنها به پیروی از رسم‌الخط و شیوه کتابت معمول در آثاری از دوره نگارش اثر به متن کتاب راه پیدا کرده و برخی نیز بسبب شتاب در نوشتن یا عدم اهتمام و الزام کافی در رعایت املائی درست و کامل برخی واژگان، از قلم کاتب یا مؤلف سرزده است. غلطهای املائی توسط کاتب یا فرد دیگری مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است. هر جا که کلمه را به اشتباه نوشته، با کشیدن خط روی آن، شکل اصلاح‌شده را در حاشیه همان صفحه آورده است. خاست ← خواست/ خار ← خوار/ خوانند ← خوانند (۵)، زوق ← ذوق (۲۰)، غزا ← غذا (۴۱)، سواب ← صواب (۵۶)، کسیف ← کثیف/ جازبه ← جاذبه (۵۸) سفح ← سفه/ اعطا ← اعضا (۷۹) سلاح ← صلاح (۱۰۰) اکثر ← اکسیر (۱۲۸) عَمَنُ/ اَمَنُ/ کطف ← کتف (۲۲۰) حاضر ← هاضر (۲۳۹) سوق ← سوق/ مرعی ← مرئی/ هواس ← حواس/ مهیط ← محیط (۲۴۰) مٹکن ← مسکن (۲۵۴) ریازت ← ریاضت (۳۲۰) تقییر ← تغییر/ تخلق ← تخلف (۳۶۶) التاف ← الطاف (۳۷۰) ساهر ← ساحر / ممصلا ← مفصلا (۳۹۷) بخاندن ← بخواندن / طبغات مشایخ ← طبقات مشایخ (۴۰۱) و...

### ویژگیهای محتوایی

\*بیان مبانی سلسله نقشبندیه: طریقت نقشبندی در قرن پنجم هجری قمری بوجود آمد که طریقتی است منسوب به خواجه بهاءالدین محمد نقشبند بخارایی (۷۱۸-۷۹۱) ولی بهاءالدین را بنیانگذار و مؤسس این طریقت نمیتوان شمرد. «طریقه او به حقیقت دنباله طریقه خواجهان است؛ طریقه و سلوکی که خواجه یوسف همدانی (۴۴۰-۵۳۵) و خواجه عبدالخالق غجدوانی بنیان نهاده بودند. خواجه بهاءالدین که خود از جانشینان خواجه عبدالخالق بود، محیی و مصلح طریقت خواجهان شد و طریقت نقشبندی آمیخته‌ای شد از تعالیم عبدالخالق غجدوانی و بهاءالدین بخارایی (انیس‌الطالبین و عده‌السالکین، مبارک بخاری: ص ۹)؛ بنابراین خواجه عبدالخالق غجدوانی مؤسس اصلی سلسله خواجهان است که بعدها به نقشبندیه معروف شد. او اصول و عقاید نقشبندیه را در مقامات و سیروسلوک در چند عبارت موجز و بلیغ به زبان فارسی بیان کرد و بنای طریقه نقشبندیه را بر آن استوار ساخت که بعدها بوسیله مشایخ بزرگ این سلسله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و صورت کمال یافت.

«عصر صفوی، عصر رسمی شدن مذهب تشیع در بخشی از ایران قدیم است. از آنجاکه پادشاهان صفوی خود در این امر اهتمام داشتند، برای رسیدن به مقصود با دانشمندان دینی عصر همکاری میکردند. به همین سبب، فقیهان و متکلمان شیعه برای تبلیغ و تعلیم اصول و مبانی اعتقادی شیعه و دفاع از آنان و ردّ و نقض مخالفان و آنچه به نظر آنان با مبانی تشیع موافقت نداشت، رساله‌ها و آثار متعدد تألیف کردند (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۲۵۹)، اما حاکمیت سلسله صفوی، رواج مذهب شیعه، رشد و تکثیر نحله‌های مذهبی در ایران، حمایت حاکمیت مرکزی از برخی از نحله‌ها و سختگیری بر نحله‌ها و مذاهب دیگر باعث شد برخی فرقه‌ها مانند سلسله نقشبندیه، که در جرگه صوفیان اهل تسنن بودند، توجهشان به فعالیت در بیرون سرزمین ایران و دربار گورکانیان باشد.

این فرقه افزون بر عقاید و آرای مشترک با سایر فرقه‌های صوفیه مثل وحدت وجود، حلول، سیروسولوک خانقاهی و امثال اینها، عقاید اختصاصی دارد که آن را از دیگر فرقه‌ها متمایز میسازد. آنان مشی اصلی طریقت خویش را بر التزام به شریعت و اتباع سنت و دوری از بدعت نهاده‌اند. عبدالرحمان جامی از بزرگان این طریقت، مشی اصلی نقشبندیه را «اعتقاد اهل سنت و جماعت و اطاعت شریعت و اتباع سنن سیدالمرسلین (ص) و دوام عبودیت (دوام آگاهی به حق سبحانه بی مزاحمت شعر و به وجود غیری)» میداند (نفحات الانس، جامی: ص ۴۲۰).

خواجه عبدالخالق غجدوانی آداب و سنن و قواعد سیر و سلوک این طریقت را به زبان فارسی بر مبانی و اصولی هشتگانه برقرار ساخت. بعدها شاه نقشبند، خواجه بهاءالدین، سه اصل به اصول هشتگانه غجدوانی افزود و تعداد این اصول را به یازده رسانید: (رشحات عین الحیات، واعظ کاشفی: ص ۴۴). ۱-هوش در دم ۲-نظر بر قدم ۳-سفر در وطن ۴-خلوت در انجمن ۵-یادکرد ۶-بازگشت ۷-نگاه‌داشت ۸-یادداشت ۹-وقوف زمانی ۱۰-وقوف عددی ۱۱-وقوف قلبی.

میربابا از پیروان سلسله نقشبندیه است و در اشعارش اسامی علمای این سلسله را نام برده و عقیدت و ارادت خاصی را به ایشان نشان داده است و با انتساب چند واسطه خود را به پیامبر اسلام میرساند و همچنین با یادآوری از پیر و مراد خویش با نام «میرسیف‌الدین محمد نقشبندیه»، او را نیز با عنوان واسطه به بزرگان دینی اسلام انتساب داده و عملاً بیان میکند یکی از ویژگیهای پیرو طریقت نقشبندیه همین انتساب یافتن او به بزرگان دین و خاصه حضرت رسول (ص) است. او در کتاب خویش پس از حمد خدای و منقبت پیامبر و خلفای چهارگانه، به تبیین و تشریح طریقه نقشبندیه میپردازد و با بهره‌گیری از آیات و احادیث و گفته بزرگان و پیشینیان، این مرام و طریقه را به خواننده معرفی میکند. میتوان محتوای کلی این اثر را یک فرایند تعلیمی و دینی و مذهبی دانست که هدف غالب نویسنده و شالوده فکری و محتوایی آن معرفی طریقه نقشبندیه است.

هر دمی که نفس بیرون آید لا اله تصور کند و چون نفس درون رود الا الله تصور نماید و این قاعده را هم هوش در دم و خطر نفس نیز گفته‌اند (۲۰۸).

هوش در دم و نظر در قدم و سفر و خلوت در آن چمن داشته باشد و از خود غایب و به حق حاضر و این مقام فنا است تا از وجود خود تمام غایب نشود. به این مقام عالی نمیرسد (۲۵۰).

اگر مقرون به ذکر و فکر و کلمات طبیات میفرستی و دعا و نیاز و مناجات بدان حضرت رفیع میکنی در این معامله سود تو راست (۴۷).

چنانچه حدیث رسول علیه‌السلام بر این معنی وارد است که: «النَّاسُ مَرِيضٌ وَ شَيْخُ الْكَمَلِ طَبِيبٌ وَ ذَكَرُ فَقِيهِ وَ دَوَاهُ وَ مَنْ أَحَبَّ ذَكَرَ الدَّائِمِ فَصَحَّ مِنْ مَرَضٍ وَ مَنْ شَكَ فَقَدْ كَفَرَ» صدق یا رسول الله. یعنی مردمان بیمارند و پیر کامل طبیب است و ذکر فقیه دواى اوست. هر که دوست دارد ذکر مدام را صحت مییابد از آن بیماری هر که شک آرد به درستی کافر گردد (۹۵).

«أَقْرَبُ الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى سَوَالِدُكَ» معنی چنین باشد که نزدیکترین راههای خدای بزرگ ذکر است (۱۱۰). و ذکر خفی آن را گویند که مستی نیز از سالک برون نماید و سالک بیکار گردد. بعضی در این مقام به خدمت ایشان مباحثه کرده‌اند که هر گاهی مستی از سالک رفته و بیکار گشته (۲۴۴).

بدان که ای سالک طالب که طریقه حضرت نقشبندیه قدس سره اقرب و اسهل طریقه بجای حدیث است و در طریقه‌های دیگر اول مجاهده است و ذکر ثانی است. چون سالک سالهایی بسیار و قرنهای بیشمار به موجب ارشاد مرشد خویش به کلمه نفسی اثبات که لا إله إلا الله باشد و یابد را اسم ذات که الله باشد شب و روز به جهت مداومت نماید و چون به اذکار مذکور زبان او روانش که میخواست او زبان به ذکر جاری گشت و به دوام ریاضت شاقه چون به صوم مدام و ذکر دوام و شب‌بیداری و ترک لذات جسمانی فرماید و نماز معکوس فرمایند که سالک خود را آویخته به اشارت چشم رکوع و سجود نماید (۱۱۸-۱۱۹).

ویژگیهای زبانی

سطح آوایی: در سطح آوایی که به آن سطح موسیقایی نیز گفته میشود، عوامل موسیقی‌آفرین مورد توجه قرار میگیرند و خود بر سه سطح موسیقی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (ردیف و قافیه) و موسیقی درونی (انواع سجع و تکرار) شامل میشود.

موسیقی بیرونی: وزن

جدول قالبهای شعری اشعار میربابا درویش نقشبندی

| قالب | مثنوی  | غزل   | رباعی | فرد    |
|------|--------|-------|-------|--------|
| درصد | ۵۸٪/۱۲ | ۵٪/۴۶ | ۲٪/۲۲ | ۳۳٪/۳۳ |

میربابا در اشعارش از چهار بحر رمل، هزج، مضارع و مجتث استفاده کرده است.

جدول اوزان مورد استفاده در اشعار میربابا درویش نقشبندی

| نام بحر | رمل    | هزج    | مضارع | مجتث  |
|---------|--------|--------|-------|-------|
| درصد    | ۴۹٪/۳۷ | ۳۴٪/۴۷ | ۸٪/۵۳ | ۷٪/۹۰ |

موسیقی کناری: قافیه و ردیف

تمایل میربابا به استفاده از ردیفهای فعلی بیشتر از ردیفهای اسمی است.

جدول ردیفهای مورد استفاده در اشعار میربابا درویش نقشبندی

| نوع ردیف | ردیف فعلی | ردیف اسمی | ردیف ضمیر | ردیف ترکیبی | ردیف حرفی |
|----------|-----------|-----------|-----------|-------------|-----------|
| تعداد    | ۸۴٪       | ۱۲٪       | ۲٪/۵۲     | ۱٪/۳۷       | ۱٪/۳۲     |

موسیقی درونی: موسیقی کلام، حاصل حسن ترکیب همه اجزای سخن از جمله وزن، قافیه، ردیف، صامتها و مصوتها، تکیه و سکوتهاست. از آنجاکه اساس موسیقی بر تنوع و تکرار بنا نهاده شده است «هر کدام از جلوه‌های



متنوع و تکرار در نظام موسیقی بیرونی و کناری، در حوزه مفهومی این نوع موسیقی قرار می‌گیرد» (موسیقی شعر، شفيعی کدکنی: ص ۴۱۵).

\*جناس: «مفهوم جناس، هر نوع اشتراک در مصوتها و صامتهای کلام است که در طرحهای گوناگون میتواند خود را نشان دهد. در ذات و طبیعت هر زبان، جناس خود را بعنوان یک قانون زیباشناسی نشان میدهد» (همان: ص ۳۰۱). در مرآت‌السالکین، جناسها بیشتر در اشعار خلق میشود: مهر احمد مهر در دل کندهام (۳)، آن صدر بدر عالم یعنی محمد رسول الله (۷)، این عزیزم عظیم مقامی بود (۴۳) محبوبان او در راه او مجنونانند (۲۸۰) و... \* سجع و قرینه‌سازی (توازن نحوی): در سجع که به آن «تکرار نحوی» نیز گفته میشود «چون ویژگیهای بخش یا مصراع دوم، اولی را تداعی میکند، ذهن از این دریافت لذت میبرد. تکرار نحوی قرینه‌سازی است و مانند هر قرینه‌سازی دیگر زیباست» (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: ص ۵۶). سجع در مقدمه اثر نسبت به دیگر فصول بیشتر است و باعث آهنگ و لطافت خاصی در اثر شده است. میربابا به اسجاع متوالی علاقه‌ای ندارد و در اکثر موارد به آوردن دو سجع در پایان جملات اکتفا کرده است:

حمد و سپاسی که از مطالعه آن دل انسانی و روح جسمانی در کان معرفت رحمانی طیران نماید نثار بارگاه خداوندی که انسان را از خاک تیره آفریده و خلعت معرفت خویش پوشانیده (۱).  
اگر ما فقیران محتاج را و گرسنگان پر واج را از خزانه بی‌کرانه احسان خود بهره‌مند گرداند (۱).  
منقول است از آن سید پسندیده و آن نور دو دیده (۶).

اما بعد از صلوات سیدالسادات آن گوهر درج معانی و آن ظلّ عنایات سبحانی در منقبت چهار یار باصفا و آن صدر و بدر عالم یعنی محمد رسول‌الله که هر یکی گوهر درج شریعت و آفتاب برج حقیقت بودند (۷).  
امیدوارم از کرم عمیم عارفان و کاملان، ممالک معانی و دانشوران و غواصان بحار سخندانی چنانکه اگر در این نسخه سهو و خطایی بینند به خامه مشک‌فشان درافشان خویش به صلاح آن کوشند و چشم عیوب از این بی بضاعت پوشند (۱۵-۱۴).

تا روح بواسطه آن نفحات عالم ربوبیت در این کاشانه و ویرانه عبودیت روزی چند تواند بود و ببوی آن زندگانی تواند کرد (۴۴).

متابعت آن حضرت قول و فعل و حال داشته باشد (۹۴).  
خواجه ما حضرت ولایت منزلت و هدایت منقبت، قطب الکبیر المحققین، غوث علما الموحیدین، وارث الانبیا و المرسلین، ناصرالمحققات الدنیا و الدین (۱۱۹).

چون سالک را به هر دو صفت جلال و جمال پرورش دهند (۱۳۵).  
به این فقیر که نسبت غلامی بر آن آستان فلک دارد و در عین جوانی به سبب کشش باطن به آن قطب زمان اراده نموده (۱۴۴).

تا چون صالحان صادق و مخلصان محق را به فاتحه‌ای یاد نماید (۱۴۴).  
چون مدتی بر این طریق مداومت نماید و ملازمت کند (۲۰۸).

گاهی به جمال بر کمال به نظر درآید و مرید صادق میباید که مصاحبت و ملازمت مرشد از دست ندهد (۲۱۲).  
\*تکرار: در نثر و شعر میربابا، تکرار واژگان و جملات، بسامد بیشتری نسبت به تکرار واجها و هجاها دارند: بنده‌ای از بندگان بندهام (۳)، جان جانند جان جان ای جان جان (۱۴۷) این من و من او چه باشد جمله اوست (۱۹۵) یار در من عین من شد من در او / آب در گل عین گل چون رنگ و بو (۱۹۵) بدان که این مقام، مقام خلافت و

مقام نیابت سرور کاینات است (۲۵۶) پس یقین دان ای سالک طالب که تو او نباشی ولیکن چون تو میان نباشی تو اویی (۲۵۷) جان جانهاست جان جان در جان (۲۶۴) این همه یکیست و همه دستها یکدست و همه نظرها یک نظر است (۳۹۹) و...

\*تکرار واج: سیدی ننشسته چون تو در سریر سروری (۳)،  
تا چون صالحان صادق و مخلصان محق را به فاتحه‌ای یاد نماید (۱۴۴).  
صبح رویش صدق صادق را دلیل / شام زلفش کاذبان را گشته شام (۱۶۳)  
فیض حق باران و ما مستسقی‌ایم / کی بود زان فیض ما فایض شویم (۱۶۹)  
یار در من عین من شد من در او / آب در گل عین گل چون رنگ و بو (۱۹۵)  
گر از این کارت بود یاری پدید / دامن ما گیر و گو هل من مزید (۲۰۵)  
پاسبان دل شو اندر کل حال / تا نیابد هیچ دزد آنجا مجال (۲۰۷)  
من و معشوق و مکان خلوت دل / دل شده خلوت معشوق چگل (۲۵۵)  
پس بدان ای سالک چون سالک از عالم ناسوت گذشت، در عالم ملکوت رسید و از محسوسات گذشت، در عالم ملکوت غایب شد و از ملکوت به جبروت و از جبروت متوصل به لاهوت گشت (۲۴۶).  
بدان ای سالک طالب تا سالک در صفات است (۲۵۲).  
این دعا از من از ملک آمین / حرمت طاهها و یاسین (۲۶۰)  
همچو آهن فتاده در آتش / محض آتش شده در آن سرخوش (۲۶۴)  
\*تتابع اضافات: تتابع اضافات در این اثر به دو شکل یا علت بکار می‌رود: الف: در مقام تعارف و تمجید از بزرگان: در لجه بحر کبریاء ذاتش (۱) از طفیل حشمت جاه رسول (۲)، برگزیده ساحت معرفت و یقین (۱۳)، وضع و شریف و صغیر و کبیر به جناب آن حضرت التماس و انابت نمودند (۱۵۳).  
ب- در شکل و بسبب قرینه‌پردازی و موازنه: بقای عالم بزرگ بواسطه عقل و نفوس و بقای عقول و نفوس بواسطه ذات حق است (۸۶). نام موجودی یافته از دریای قوت و قدرت، یعنی از عالم غیر موجود به الفعل به صحرایی فعل آمد (۸۹). از کوه دامن مضاف صوبه کابل که از کثرت اشجار و از وفور فواکه و اثمار و از جریان انهار و از چمنهای پر از گلزار که یاد از جنت‌الابرار میدهد رسیدند (۱۵۳). با وجود آنکه خود در ضلالتند، سجاده و تسبیح و عصا و کلاه به مریدان داد (۱۵۶). بعد از آن فرمود تا کس درون خود از جمله مأکولات و آلایش دنیا صیقل ندهد (۱۵۸)، هوش در و دم نظر در قدم و سفر و خلوت در آن چمن داشته است (۲۵۰)، بر فرائض و سنت و نوافل قیام نمایند (۲۶۴).

### سطح لغوی

بسامد زیاد لغات عرفانی و اصطلاحات صوفیانه، کاربرد فراوان لغات عربی و ترکیبات وصفی و اضافی از ویژگیهای خاص سطح لغوی کتاب مرآت السالکین است.

\*کلمات پربسامد: کاربرد اسامی خاص یکی از ویژگیهای این اثر است. علاوه بر موضوع اثر که کاربرد اصطلاحات عرفانی را اجتناب‌ناپذیر میکند، میربابا در موارد بسیاری مجبور به استفاده از واژه‌های دینی و مذهبی شده است: سرّ (۵۵۷)، الله (۵۵۴)، حق (۴۹۳)، خلق (۴۸۳)، حضرت (۴۳۶)، دم (۴۱۸)، طریقت (۲۲۲)، تعالی (۲۱۷)، سالک (۲۱۴)، وجود (۲۱۰)، شیخ (۱۷۴)، ذکر (۱۵۳)، طالب (۱۵۰)، پیر (۱۳۲)، حقیقت (۱۱۸)،

مرید (۱۱۵)، انسان (۱۱۳ بار)، عارف (۹۴)، حال (۸۶)، نبی (۸۵)، آتش (۸۱ بار)، اولیاء (۶۸)، مقام (۶۹)، الهی (۶۴ بار)، درویش (۵۶)، مرشد (۳۸)، طریقه (۳۷)، صوفی (۳۶)، فانی (۳۵)، قطب- فنا (۳۱).

\*کلمات عربی: هرچند بنای میربابا در نگارش مرآت‌السالکین بر بیان طبیعی مقصود و رساندن پیام و مفهوم بصورت ساده و زودپای است، با توجه به اینکه این کتاب آمیزه‌ای از اخلاق و عرفان و حکمت براساس تعلیم انبیا و معصومان (ع) و بزرگان اهل عرفان است، طبیعتاً از واژگان و اصطلاحات و عبارات عربی معمول در چنین متونی استفاده نموده است که بخشی از این موارد شامل اصطلاحات خاص علم اخلاق، عرفان، حکمت، فلسفه و عبارات ویژه این علوم است و بخشی نیز شامل واژگان و عبارات عربی‌ای است که میربابا بسبب شیوه و صورت مدرسه‌ای و علمایی بیان خود و نیز تأثیرپذیری از متون علمی و عربی و فارسی دینی و عرفانی، آنها را در نثر خود بکار گرفته است: طیران (۱)، اتقیا (۴)، مسجود (۵)، ابریق (۷)، احقر (۱۱)، فایحه (۱۲)، فایح- اطوار (۱۳)، بحار (۱۴)، مخلص (۱۵)، شمایل (۱۷)، نوافل (۱۸)، عورت (۱۹)، متجلد (۲۱)، ممیزه (۲۷)، خناس (۳۳)، امتزاج (۳۷)، استحالت (۴۰)، لاحق (۴۳)، تحریض (۴۷)، میمنه (۴۸)، اسفل (۵۴)، متوطن (۶۱)، تصدیع- منسوخات (۶۶)، معاقبت (۱۰۴)، غوث- اوتاد (۱۱۳)، عزیزم (۱۳۳)، التجاه (۱۵۳)، انکسار (۱۶۱)، تحیت (۱۶۴)، هل من مزید (۱۶۸)، مثالثه (۲۰۰)، عاجزه مستحسنه، استکشاف (۲۱۴)، محروسه (۲۱۷)، انکشاف (۲۶۲)، تکفین (۳۰۱)، مصاحف (۳۰۲)، لایح (۳۰۳)، اختلاط (۳۶۰)، شوایب (۳۷۰).

\*کلمات کهن: از دیگر ویژگیهای این کتاب توجه نویسنده است به بعضی کلمات که کمتر در زبان فارسی بکار برده شده‌اند و یا بصورت متروک و فراموش شده بودند؛ از جمله کلماتی چون: پرواج (۳)، اندراج (۱۲)، شقل (۲۷)، آماس (۵۸)، فاروخ- ساطوخ- ماسوخ- فاسوخ (۶۲) هاجزه (۷۱)، مستلذات (۸۷)، متفطن (۱۰۴)، استالیف (۱۱۵)، قدوح (۱۴۳)، مناسفه (۱۷۳)، منقا- پلاو (۱۷۸)، قطیره (۱۸۱)، رکانید (۲۰۳)، غسخانه (۲۱۴)، تخاری (۲۲۲)، خریطه- جوره- عاروسی (۲۹۹)، میکانید (۳۰۳)، محافه (۳۰۴)، جیلانی (۴۰۲).

\*ترکیبیات: صدر بدر (۲)، درج معانی (۷)، ناسبه امن-عدوبند (۸)، سرحلقه صفاکیشان قدوه - نایب المنایب (۱۲)، کرم عمیم عارفان (۱۴)، وردیه قدسیه (۱۷)، لوح مسطور (۳۶)، نفحات عالم ربوبیت (۴۴)، نشئه حیات (۵۰)، فضل عمیم (۶۵)، خانگاه (۱۸۴)، حسن الجسم (۱۹۱)، نظم زدن (۳۰۲)، رحم امهات (۳۸۲)، فتوح اوراد (۳۲۳)، قطاع الطرایق (۳۷۱)، بتگران (۳۷۴)، غزدوانی (۴۰۰).

### مسائل مربوط به تلفظ

\*تخفیف (تبدیل مصوت بلند به کوتاه): «در هجای آخر کلمه (یا کلمه شامل یک هجا) که به صامت «ه» ملفوظ ختم شده باشد، غالباً الف ممدود به فتحه بدل میشود و این همان است که ادیبان آن را تخفیف میخوانند» (دستور تاریخی زبان فارسی، ابوالقاسمی: ص ۵۹). از گنه رو شد سیه، مو شد سفید (۲)، آنکه شهان را نگری ذره‌وار (۱۰۸) شه من مجتهد روم و شام است (۱۴۱) نیست آگه غیر ربّ العالمین (۲۰۶) که تاج و تخت شهان زینت از سپه دارد (۳۸۶).

\*تخفیف (حذف از کلمه): هر گاه مصوت‌های بلند در یک واژه به مصوت‌های کوتاه متناسب با خود تبدیل شوند، فرایند تخفیف اتفاق می‌افتد؛ این حذف‌ها گاه برای آسان‌سازی و گاه بخاطر گریز از سنگینی تلفظ و گاه به ضرورت وزن صورت می‌گیرد. مانند: درگه خدای تعالی پیدا کرده است (۵۷)، نفس و شیطان به یکدگر یارند (۲۰۶)، از عزّ

و جلال او کسی آگه نیست (۲۰۷)، باز هستی خود اگر گهی دور شوی (۲۵۳)، گهی بر شکل آدم گاه حوا (۳۰۹)، همتی بر کار نکردم تو نگه دار از بدی (۴۵۹).

❖ اشباع: در این فرایند مصوت‌های کوتاه «آ»، «ا»، «ی» و «و» به «او» تبدیل میشوند: چنانچه عبادت ظاهر است همچونان عبادت باطن است (۹۵)، هرچه من گویم و خواهم همچونان شود. (۱۲۲)، گفت بختم بس که مسعود اوفتاد (۱۸۹).

❖ کاهش (حذف): گاه ممکن است یک یا چند صامت از واژه کاهش پیدا کند، به این فرایند واجی حذف یا کاهش میگویند. حذف واج ممکن است در اول، وسط یا پایان واژه صورت گیرد و گاه ممکن است بیش از یک واج از واژه حذف شود: گر ببخشی از کرم ارزندهام (۲)، سزد گر کنم فخر من این زمان (۸) شده دل کنون مظهر نور پاک (۱۴) رود به جاش یکی مؤمن نکو افعال (۱۱۵)، لمعای از نور او بر دل فتاد (۱۹۵)، ماییم فتاده اندر این تنگ‌دره (۳۶۵).

### سطح نحوی

دستور زبان بخشی از زبان است که درباره ساختمان آوایی، صرفی، نحوی و معنایی زبان بحث میکند. از دستور و زبان‌شناسی میتوان در فراگرفتن زبان نیز بهره گرفت. آشنایی با دستور هر زبانی، راه ما را برای شناخت آثار ادبی آن زبان هموارتر میکند. دستور زبان فارسی هم از این قاعده مستثنی نیست (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ص ۳۴).

جمله از نظر محور همنشینی و دقت در ساختهای غیرمتعارف و کوتاه و بلند بودن جملات، کاربردهای کهن دستوری مانند آوردن انواع یاء، آوردن دو حرف اضافه و... در این بخش تحلیل میشوند.

کاربرد جملات طولانی: اطنابه‌های نابجا و نالازم در بسیاری از متن‌ها راه یافته است. این اطنابه‌های معنایی در مواردی باعث درازی بیش از حد جمله و افتادن فاصله زیاد میان نهاد و فعل جمله شده است؛ آنچنان که یافتن ارتباطهای نحوی را میان ارکان جمله دشوار کرده است. (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۲۹۲). در مرآت السالکین نیز بسبب کاربرد آیات و احادیث، عبارات عربی، شعر، قرینه‌پردازی و غیره جملات طولانی هستند.

کاربرد افعال: شیوه چینش اجزای سازنده یک فعل و چگونگی کاربرد آن از مقوله‌هایی است که به دلایل مختلف متحول و دگرگون شده و صورتهای گوناگونی به خود گرفته است. در اینجا به شاخصه‌های ساختاری افعال در این اثر پرداخته میشود.

❖ کاربرد وجه وصفی: از اواخر قرن هشتم به بعد کاربرد فعل وصفی- یا آنچه دست‌نویسان وجه وصفی نامیده‌اند- در متن‌ها فراوان است. (همان: ص ۲۹۱). در این اثر معمولاً بصورت غلط و گاهی درست بکار رفته است و به هر حال ناخوشایند است: چنانچه روح که خود را در شهر دیگر دیده خبر میدهد که من چنین گفتم (۷۲)، پس وزیر فرمود تا درویش رفته ظاهر ساخته آنچه او مطلب داشت به جناب پادشاه به معرض قبول افتاد (۲۹۹)، از ما به تو رسیده و نیز فرموده‌اند که مرید صادق را در خانقاه حجره علاحدہ داده از خوراک و پوشاک خاطر او را جمع نماید (۳۵۹) و...

❖ کاربرد «م» به جای «ن» در آغاز فعل نهی: این شاخصه از کاربردهای رایج و مرسوم سبک خراسانی و عراقی است که با گذشت زمان از بسامد آن کاسته شده است و در این اثر نیز این نوع افعال بسامد بالایی دارد؛ افعالی

مانند «مدار، مبین، مرنجان، مرو، مشنو، مشو، مکش، مگذار، مگردان، مگریز، مگو، میندیش، منشین، منگر و میفکن» با این نوع کاربرد دیده می‌شود: توجه از من بی پا و سر دریغ مدار (۶)، در عیب نظر مکن که بی عیب خداست! (۱۵)، هان و هان غافل مشو تو با خود آی (۲۳۵).

\* کاربرد «همی» به جای «می»: این کاربرد از ویژگیهای سبک خراسانی است که در سبک عراقی با بسامد کمتر ادامه مییابد. در این اثر «همی» و «می» هر دو بکار رفته است. خانلری در تاریخ زبان فارسی در باره این کاربرد مینویسد: «برای بیان دوام و استمرار فعل، جزء صرفی «همی» پیش از صیغه‌های زمان ماضی و مضارع و امر درمی‌آید. اما این جزء از قدیمترین زمان تخفیف یافته بصورت «می» درآمده است. در همه مأخذی که در دست داریم این جزء به هر دو صورت وجود دارد اما در نسخه‌هایی که تاریخ تألیف یا کتابت آنها قدیمتر است استعمال این جزء بصورت «همی» غلبه دارد (تاریخ زبان فارسی، نائل خانلری: ص ۳۶۳). در جهاد او همی بزد شمشیر (۹) صد نور همی گیرد آن دار بقا از من (۲۲۷)، فیض او جان و دل همی یابد (۲۶۱)، چه اظهار گشتن همی خواستم (۲۶۶) و...

\* کاربرد «ی» شرط در آخر فعلها: غلامرضایی کاربرد "ی" شرط و تمنا و بیان خواب را از ویژگیهای زبانی دوره رشد و تکوین میداند. (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۲۸). به نمونه‌هایی با این کاربرد اشاره می‌شود: اگر صحبت اهل صدق موجب کمال است نبودی امر الهی بر ایشان او متوجه نگشتی (۲۱۲)، حاجت به نام وقتی بودی که دو وجود بودند و هر یکی را نام بایستی تا از یکدیگر جدا شدی (۲۷۴)، اگر بسیار نبودندی توحیدی را وجود نبودی و هیچ کس موجود نگشتی (۲۷۵) اگر ظهور آن ثمره از او نبودی این تشبیه به ظهور نپیوستی (۲۹۴) و...

\* استعمال فراوان فعلهای پیشوندی: استعمال این فعلها از ویژگیهای سبک خراسانی است که بتدریج کاهش مییابد: نطفه خواهد که فرود افتد (۸)، به آسانی به گلوی انسانی فرود آرند (۴۶)، پندار فروشکند (۱۸۵).

\* وجه مصدری (افعال غیرشخصی): بسامد این کاربرد در سبک خراسانی فراوان است اما بتدریج از میزان آن کاسته می‌شود. دست‌نویسان از این نوع فعلها با عناوین افعال وجه مصدری و فعلهای غی شخصی نام برده‌اند؛ از جمله انوری این فعلها را افعال غیرشخصی مینامد و مینویسد: «از توانستن و شایستن و بایستن همراه با بن ماضی یا مصدر فعلهای دیگر، ساختهای بکار میرود که بر شخص معینی دلالت نمیکند» (دستور زبان فارسی، انوری: ص ۳۱). شمیسا کاربرد وجه مصدری را مخصوصاً در مواردی که مصدر نخست، خواستن و توانستن و شایستن است، بیشتر میداند و رواج آن را تا قرن هشتم ذکر میکند (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۸). از مردمک دیده ببايد آموخت (۱۵)، به زودی قادر نتواند شد (۲۰)، مداخلت نتواند نمود (۳۴)، نتوان گفت که فلان چیز محتاج است (۵۰)، نابینایان مادرزاده را هیچ علاج نتواند کردن (۷۵)، حدیث عشق نشاید ز عالمان پرسید (۲۳۴) و...

\* کاربرد فعل شاید: این فعل که اکنون تنها در معنای قید کاربرد دارد، در سبک عراقی و بویژه خراسانی به جای فعل بکار رفته است. در سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو در باره کاربرد فعل «شاید» گفته شده است: «صیغه‌هایی از بعضی فعلها در آن دوره رایج بوده که بتدریج متروک شده است» (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۳۶). گر شوی خاک پای او، شاید (۳۰)، آن حضرت بقیت را نشاید (۱۳۹)، نشاید که خرقه مشایخ بپوشد و پیر را نشاید که او را خرقه دهد، تا به ارشاد چه رسد (۱۶۰) و..

### کاربرد حروف

\* کاربرد «اندر»: افزودن «ب» بر سر فعل. «در گذشته «ب» یا هیچ نقشی نداشته و یا جنبه تأکیدی داشته است و بر سر همه افعال اعم از ماضی مطلق، استمراری، نقلی و بعید درمی‌آمده است. این عنصر بویژه در شعر گاهی هیچ نقشی نداشته و تنها برای کشش فعل (در وزنهای شعری و تکمیل وزن شعر می‌آمده است) و گاهی در کنار فعلهایی می‌آمده که این پیشوند را نداشته‌اند مثل برید و درید و شکست و بیست (تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری: صص ۲۸-۲۹): تو نبی بودی که هیچ اَمّت نبود اندر جهان (۳)، هرچه اندر عدم‌آباد جهان می‌آید (۴۵)، اندر خیال عقل به من عقل وا نمود (۵۲)، بازش کند زیر و زبر حیرانم اندر کار او (۲۸۸).

#### \*انواع الف

الف ندا: پادشاه! دل به خون آغشته‌ایم (۴۳) الف کثرت: ای بسا خرّقه که در پیرهنش زنهار است (۱۰۳)، الف واسطه: چنانچه همه جانوران یکان‌یکان در شاهواره آورده، انداختند (۳۰۰) و...  
\* کاربرد انواع «را»: گمرهان و عاصیان را رهنما (۷)، تو را نبوّد زیان، ما را بُود سود (۱۲)، اگر گشایش را از مرشد سابق خود تصوّر نماید (۳۵۹)، و...  
\* کاربرد «مر» تأکید مفعولی به همراه نشانه مفعول: همه عمر مر خدای را عبادت کرده باشد (۳۵۴)، رخصت مر عوام راست (۳۵۷)، ایشان مر او را تلقین طریق مرشد او میکردند (۳۵۹).

### کاربرد صفت

\* تقدیم موصوف بر صفت مبهم «چند» و قرار گرفتن «ی» نکره در بین ترکیب: این نوع کاربرد در سبک خراسانی بسیار رایج بوده است و در سبک عراقی ادامه دارد اما بسامد آن کاهش یافته است. در این کاشانه ویرانه عبودیت روزی چند تواند بود (۴۴)، تو جزوی و حق کل است اگر روزی چند (۱۲۶) حضرت در آن روز در مزار ربی با ترکی چند و با اصحاب خود خواجه یوسف خواجه محمد پارسا و غیره نشسته بودند (۳۹۹).  
\* کاربرد «نا» به جای «ن» در ساخت صفات: این کاربرد ویژه سبک خراسانی است که بتدریج استفاده از آن در قرنهای ششم و هفتم کمتر شده است. غلامرضایی این ویژگی را از شاخصه‌های زبانی دوره رشد و تکوین زبان فارسی میداند و مینویسد: «نون نفی در بعضی ترکیبها بصورت "نا" بکار میرفته است» (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۴۲). به مصداقهایی از این کاربرد در زیر اشاره میشود: ملحد نادیده می‌گوید و هرچه میگوید میکند (۲۷۸)، چون شب ناوقت شده بود (۳۰۲)، شیفته شده به شهوات حرام و لذات نامشروعات (۳۲۰)، خصوصاً روز و شب از دانسته و نادانسته (۳۳۵)، اعتراض شوم و نامبارک است (۳۶۲).  
\* کاربرد «بیش» به جای «بیشتر»: غلامرضایی این ویژگی را نیز از ویژگیهای دوره تکوین زبان فارسی میداند (سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی: ص ۳۵): با وجود آنکه آفتاب و مهتاب یکی بیش نیست (۳۲)، یکی تا ده سال بیش نیمماند و دیگری صد سال (۵۰)، هرچند قربت بیش، لذّت بیش (۱۷۹)، چون وجود یکی بیش نیست، حاجت به نام نباشد (۲۷۴).  
\* کاربرد صفاتی مانند گران، عظیم، سخت، نیک در معانی دیگر: واژه «گران» در گذشته به معنای «سنگین» بکار میرفته است اما اکنون به معنای «بالا قیمت» کاربرد دارد: تری و خشکی و سبکی و گرانی و بعضی جزهای دیگر که ظاهر است ادراک تواند کردن (۳۰)، نیک متحیر گشتم (۱۳۷)، این راز سخت باریک است (۲۸۶)، سخت بدکارم خدایا عاصی‌ام پُر قال و قیل (۴۵۶).

#### کاربرد قیود

\* «همان» برای قید زمان: در همان ساعت زنده شد (۱۳۷)، من نیز کفایت دهم به همان شب و روز تو را (۳۵۵).

\* «هیچ» با فعل منفی به معنای اصلاً: لیکن هیچ یکی از اینها موجود نباشد. (۳۳)، هرچه عدم و وجود او (به) هیچ کدام ضروری نبود او را ممتنع الوجود خوانند (۴۹)، خود از هیچ کدام اعضای او خبر ندارد (۷۱)، نابینایان مادرزاده را هیچ علاج نتواند کردن (۷۵)، هیچ معالجت سود ندارد (۷۶)، زبان هیچ حرکت نکند و گوش هیچ سخن نشنود چشم هیچ نبیند (۷۷).

\* «چندان» برای بیان مقدار: بزرگان وصف‌شان چندان بگفتند (۸)، چندان نظر بر عیوب ننمایند (۱۵)، چندان نگاه دارد تا در رحم قرار گیرد (۲۱)، آن وجود را چندان بقایی نباشد (۸۴)، چندان مهربانی و تَلَطُّف را درباره او مبدول میداشتند و چندان پرسش احوال او مینمودند (۱۸۱).

\* «مگر» برای استثناء: غیر از وهم که او نیز مسخر نگشت مگر کسی را که خدای تبارک و تعالی به خود خوانده باشد (۳۴)، نیافریدیم جنیان را و آدمی را مگر از برای آنکه ما را عبادت کنند (۵۷)، بازگشت ایشان به سوی دوزخ است مگر یک فرقه که اهل سنت و جماعتند و اهل توحیدند. (۶۴)، وجود او مثل کبریت احمر گشته مگر شیخنا و مولانا (۷۷)، یعنی که ندیدم هیچ چیزی را مگر آنکه یافتم در آن چیز خدای را (۲۸۵).

#### ویژگیهای ادبی

از آنجاکه بنای میربابا در نگارش مرآت‌السالکین بر بیان ساده و به دور از تکلف و عبارت‌پردازی است و قصد او انتقال اندیشه‌ها و اعتقادات خود به مخاطبان به شیوه روان و زودیاب است، تا حد ممکن سیاق گفتار را در پیش گرفته و به زبان محاوره نزدیک شده و به همین سبب از اهتمام جدی به گزینش الفاظ و آرایش کلام به انواع صنایع بدیعی و شیوه‌های بیانی و مراعات همه‌جانبه قواعد فصاحت، فاصله گرفته و اهتمام خود را بر بیان طبیعی مقصود نهاده است. میربابا بیش از آنکه شاعر و نویسنده باشد یک عارف و صوفی است. او در حوزه بیان و بدیع خواسته از ابزارهای ادبی درجهت استحکام کلامش بهره ببرد تا اینکه در پی لفاظی و مفاخره و نمایش توانایی ادبی خود باشد. به همین دلیل در نثر او غلبه با بیان مؤثر کلام است از راه برقراری ارتباط نزدیکتر با مخاطب و آوردن عبارات خطابی، استشهاد به آیات و احادیث و اخبار، آوردن تمثیلات و تشبیهات ساده و استعارات طبیعی و زودیاب برای تبیین مفاهیم عالی و گاه پیچیده عرفانی و فلسفی و حکمی و ملموس ساختن این مفاهیم به ذهن مخاطبان. بدین ترتیب وی از پرداختن به آرایشهای لفظی و معنوی کلام، جز در مواردی که سخن بطور طبیعی اقتضا کرده خودداری نموده اما در موارد مقتضی بویژه در دیباچه اثر از آرایه‌ها بخصوص از سجع و جناس بهره گرفته است.

با درنظر گرفتن درونمایه کتاب، تشبیهات ساده و روان در جهت تعلیم و آموزش از بیشترین بسامد آماری بر خوردار است و ماهیت این تشبیهات روانسازی کلام و تأثیرگذاری بیشتر آن است:

همچو نقش پا به زیر پا مدام / در ره احمد سر افکنده‌ام (۲)

هر زمان چون خور به دل کرده ظهور / کی چنان از روزنه در خانه نور (۷۷)

طالبان چون حلقه‌ای در برش / آفتاب معرفت اندر برش (۱۴۸)

چشم او چون صاد و زلف او چو جیم / ابروش چون نون دهانش همچو میم (۱۹۳)

بسامد تشبیهات مؤکد و مجمل بیشتر از تشبیهات مرسل و مفصل است. غالب تشبیهات وی بصورت بلیغ (اضافه‌های تشبیهی) است:

گوهر بحر معانیست غواص وجود / سالکان را در ره حق جز وجودش ره نبود (۱۴۲)

کنایات بکاررفته در این کتاب در بحث مفاهیم اخلاقی و بمنظور ارشاد و یادآوری بوده و بعد از تشبیه در جایگاه دوم جای دارد. تا دوان است اسب ابلق پیر (۹) جزیه را در ملک سند رایج ساخت (۱۰) شه من مجتهد روم و شام است (۱۴۱) طالبان چون حلقه‌ای در برش (۱۴۸) دامن ما گیر و گو هل من مزید (۲۰۵) آتش در دل شیدا انداخت (۲۵۴) ظلمت نفس رخت بردارد (۲۵۹).

با توجه به درونمایه کتاب مرآت السالکین که در آداب و سلوک عرفانی است، بکارگیری استعاره در آن از بسامد بالایی برخوردار نیست و از نظر نسبی استعاره در اشعار (نظم) نسبت به متن نثر کتاب بیشتر بکار گرفته شده است. در شعر حیرت خبری از استعاره‌های تازه نیست. بیشتر استعاره‌ها در شعر او مصرحه و مکنیه‌اند و غالباً در مفهوم معشوق حقیقی و حضرت باری تعالی است:

در سخاوت نباشدش ثانی / فیضش ابر است بر صغیر و کبیر (۹)

\*تلمیح: در مرآت السالکین تنها تلمیحات دینی و مذهبی وجود دارد. تعداد ۱۹۸ مورد تلمیح به آیات و احادیث دیده می‌شود که نویسندگان در جای‌جای اثر خود با استشهاد به این آیات و احادیث سخن و کلام خود را مستند ساخته است: شر وسواس الخناس (۳۵)، والله اعلم بالصواب (۳۵)، والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامر (۳۸)، یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه المرضیه (۳۹) و...

موضوع و محتوای مباحث مرآت السالکین بطور طبیعی اقتضا کرده که مؤلف در ضمن آنها برای استشهاد و استدلال و تأکید بر مطالب، از آیات قرآنی، احادیث نبوی و سخنان پیشوایان معصوم (ع) و نیز اقوال بزرگان حکمت و عرفان و امثال عربی و فارسی و نیز اشعار فارسی بطور مکرر استفاده کند و آنها را به صورتهای مختلف در متن کتاب بگنجاند.

مؤلف، آیات و احادیث را بیشتر بصورت کامل و به عربی آورده است:

«لولاک لما خَلَقْتُ الْأَفْلاک» در شأن اوست «و ما أُرْسِلُناک إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِینَ» وصف احسان اوست و «إِنَّا فَتَحْنَا» تعریف بیان اوست و «کنت نبی و آدم بین الماء و طین» کلام معجزه بیان اوست (۱۹)،

در این معامله سود تو راست که قال الله تعالی «یصعد الکلم الطیب» (۴۷).

گاهی نیز فقط ترجمه آنها را نقل و در بیشتر موارد اصل آیه و حدیث را به همراه ترجمه بیان کرده است:

«قوله تعالی: اولئک کالأنعام، بلهم أضلّ».. یعنی چه باشد که مردم عام مثل چهارپایانند، بلکه گمراهتر از آن (۶۹).

علاوه بر این مؤلف در موارد معدودی از آیات و احادیث، استفاده ادبی کرده است. به این صورت که از یک آیه و

حدیث و یا قسمتی از آن برای ساختن اضافه تشبیهی بهره گرفته است:

به خطاب مستطاب «وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنی آدَمَ» ما خاکیان را بنواخت (۱).

میزان استفاده از احادیث و روایات در کتاب مرآت السالکین، تقریباً با آیات قرآنی برابر است. احادیث و روایات از منابع روایی یا کتب دیگری که حاوی این احادیث و روایات بوده، اخذ شده است. اهم منابعی که این احادیث و روایات از آنها اخذ شده و یا در آنها دیده می‌شود، عبارتند از: بحارالانوار، اصول کافی، جامع صغیر سیوطی، نهج البلاغه، صحیفه سجاده، الامالی شیخ طوسی.



لقب‌پردازی: شمیسا معتقد است در نشر دوره صفوی «انحطاط ادبی از دوره تیموری هم بدتر است. تعارفات و مترادفات و القاب‌پردازی معمول است و کتبی که حد میانه باشد نادر است» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۲۱۳). این القاب احترام‌آمیز هم کلیشه‌ای است و هم هر نویسنده‌ای در آن عصر خود را مجاز به وضع آن میدانسته است. در این اثر نیز این ویژگی با بسامد زیاد دیده می‌شود: پادشاه زمان، برگزیده دوران، شاهنشاه عالم‌پناه، والی کشور هندوستان، نوشیروان عهد و زمان، واضع قوانین عدل و احسان (ص ۸) / قبله دو جهان، مقتدای اهل زمان، محب الفقرا و العلماء، نور باده گلبن معرفت و اقبال ثمر شجره بهارستان فیوض و اجلال (ص ۱۲) و..

### نتیجه‌گیری

نسخه خطی «مرآت‌السالکین»، اثر «میربابا پسر میردرویش نقشبندی» در موضوع تصوف، بویژه معرفی فرقه نقشبندیه و آداب و سلوک این فرقه است. سال تولد و زندگی این عارف نویسنده مشخص نیست ولی به استناد صفحه ۹ نسخه خطی مرآت‌السالکین، که در آن تاریخ استنساخ این نسخه سال ۱۱۱۸ هجری قمری ذکر شده است، تنها میتوان وی را از عارفان و شاعران قرن دوازدهم هجری دانست. این نسخه خطی منحصر بفرد، در ۲۱۵ برگ، با شماره ۵۶۲۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این کتاب عرفانی در قالب نثر و نظم به تحریر درآمده و برخی از این اشعار سروده خود میربابا و همه آنها به زبان فارسی است.

در مرآت‌السالکین غلطهای املائی فراوانی دیده می‌شود، خصوصاً نویسنده میان واو معدوله بسیاری از واژه‌ها مانند «خوار» و «خواستن» و حرف «الف» در واژه‌هایی مانند: «خار، دام، خاطر، خاستن یا برخاستن و...» و ضمه واژه‌هایی مانند «خُرد» تفاوت خاصی قائل نشده و گاه املائی این لغات را جابجا نوشته است؛ ظاهراً این امر در دوره او عیب شمرده نمی‌شده و با مسامحه با آن رفتار شده است.

هدف میربابا در نگارش مطالب، رساندن هرچه ساده‌تر پیام و القای اندیشه خود به مخاطب و برقراری ارتباط هرچه نزدیکتر با اوست. به همین سبب رعایت قواعد و آداب نویسندگی مد نظر او نیست و در بسیاری از عبارات به زبان و سیاق گفتار و سخن خطابه‌ای نزدیک یا بر آن منطبق می‌شود. اما از آنجاکه مباحث مطرح در مرآت‌السالکین مباحث اخلاقی عرفانی است، طبیعتاً از واژه‌ها و ترکیبات ساده و دشوار عربی و عبارات کوتاه و بلند این زبان و آیات قرآن و اخبار و احادیث و روایات و کلمات قصار و امثال آکنده و از قواعد این زبان متأثر است. مؤلف از آوردن آیات و احادیث جز در مواردی معدود استفاده ادبی نکرده است و بیشتر به اقتضای مطلب، آیات و احادیث را برای استدلال، استشهاد و تأکید به مطلب مورد بحث آورده است. میزان تأثیر آیات قرآنی و احادیث اسلامی در کتاب مرآت‌السالکین میربابا بیانگر این موضوع است که جانمایه و شالوده فکری و محتوایی کتاب او عرفان و تصوف اسلامی و بیان شیوه سلوک و آداب سالکان طریقه نقشبندیه است.

میربابا در کتاب خود از کتابهای عرفانی و متصوفه زیادی بهره برده که با رعایت اصل امانت، نام کتب یا نویسنده آن را بیان کرده است. جدا از بهره‌گیری از قرآن، او از دیوان نزدیک ۵۵ شاعر فارسی‌گوی استفاده کرده که در این میان سرآمد همه، مولانا جلال‌الدین بلخی و جامی هستند.

کتاب مرآت‌السالکین از نظر زبانی، منطبق بر قواعد زبانی سده دوازدهم هجری است و مانند بیشتر آثار عرفانی این دوره اساس کارشان تقلید از قدما بوده و همین امر شاخصه سبکی آثار نثر قرن دوازدهم است. سبک میربابا -بخصوص در اشعار- به نثر قدیم متمایل می‌شود و در ادای برخی معانی و بیان بخشی از عبارات سبک و سیاق

نثر متقدمان یا برخی کاربردهای خاص دستوری یا سبکی آن بکار گرفته میشود. نویسنده این اثر در نگارش کتاب تقلیدی جامع از پیشینیان داشته و در سرایش اشعار منتسب به خود مهارت چندانی ندارد. سادگی زبان و دوری کلام از تکلف و پیرایه‌های ادبی که شاعران و نویسندگان پیشین در آثار خود بکار برده‌اند میتواند از ویژگیهای عمده این اثر در سطح زبانی و آوایی باشد.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان استخراج شده است. آقای دکتر احمدرضا یلمه‌ها راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای محمدتقی مقصودی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCE

- Abolghasemi, Mohsen. (۲۰۰۴). Historical grammar of Persian language, Tehran: Samat, p. ۵۹.  
 Farshidvard, Khosrow. (۲۰۰۸). on Literature and Literary Criticism, Tehran: Amirkabir, p. ۳۴.  
 Fotouhi, Mahmoud. (۲۰۱۲). Stylistics of Theories, Approaches and Methods, Tehran: Sokhan, P. ۲۶۴.  
 Gholamrezaei, Mohammad. (۲۰۲۰). Stylistics of Persian prose, second edition, Tehran: Samt, pp. ۲۹۱-۲۹۲ and ۸۲.  
 Jami, Noor al-Din Abd al-Rahman Ibn Ahmad. (۱۹۹۲). Nafhat al-Ons, by Mahmoud Abedi, tenth edition, Tehran: Sokhan, P. ۴۲۰.  
 Mir Baba, son of Mir Darvish Naqshbandi. (۱۱۱۸ AH). Mera'at Al-Salekin, manuscript No. ۲۹۶۲۸, University of Tehran Library.  
 Mubarak Bukhari, Salah. (۱۹۹۳). Anis Al-Talebin and some Al-Salkin; Edited and introduced by Khalil Ebrahim Sari Oghli, by Tawfiq Sobhani, Tehran: Keyhan, p. ۹.  
 Natel Khanlari, Parviz. (۲۰۰۳). History of Persian Language, Three volumes, Tehran: New Publishing Culture, pp. ۲۸-۲۹.  
 Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۱۰). Poetry Music, Twelfth Edition, Tehran: Agah, P. ۴۱۵.  
 Shamisa, Sirus. (۱۹۹۴). Generalities of Stylistics, Tehran: Ferdows, P. ۱۵۸.  
 Shamisa, Sirus. (۲۰۰۸). Stylistics of prose, twelfth edition; Tehran: Mitra, P. ۲۱۳.

Va'ez Kashefi, Maulana Fakhreddin Ali Ibn Hussein. (۱۹۸۰). Rashhat Ain Al-Hayat; With introduction, correction and margins of Asghar Moeinian; Tehran: Nouriani Charitable Foundation, p. ۴۴.

Vahidian Kamyar, Taghi. (۲۰۰۹). Innovative from the point of view of aesthetics, fourteenth edition, Tehran: Samt, p. ۵۶.

### فهرست منابع فارسی

- انیس‌الطالبین و عده السالکین، مبارک بخاری، صلاح (۱۳۷۱) تصحیح و مقدمه خلیل ابراهیم صاری اوغلی، به کوشش توفیق سبحانی، تهران: کیهان.
- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۸) چاپ چهاردهم، تهران: سمت.
- تاریخ زبان فارسی، ناتل خالتری، پرویز (۱۳۸۲) سه جلد، تهران: فرهنگ نشر نو.
- درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۷) تهران: امیرکبیر.
- دستور تاریخی زبان فارسی، ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳) تهران: سمت.
- رشحات عین الحیاتف واعظ کاشفی، مولانا فخرالدین علی‌بن حسین (۱۳۵۸) با مقدمه و تصحیح و حواشی اصغر معینیان، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- سبک‌شناسی نثر پارسی، غلامرضایی، محمد (۱۳۹۸) چاپ دوم، تهران: سمت.
- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۷) چاپ دوازدهم، تهران: میترا.
- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود (۱۳۹۱) تهران: سخن.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۲) تهران: فردوس.
- مرآت السالکین، میر بابا، پسر میردرویش نقشبندی (۱۱۱۸ق) نسخه خطی به شماره ۲۹۶۲۸، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹) چاپ دوازدهم، تهران: آگه.
- نفحات الانس، جامی، نورالدین عبدالرحمان ابن احمد، (۱۳۷۰) به کوشش محمود عابدی، چاپ دهم، تهران: سخن.

### معرفی نویسندگان

**محمدتقی مقصودی:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.  
(Email: [maghsoudi.mt155@gmail.com](mailto:maghsoudi.mt155@gmail.com))

**احمدرضا یلمه‌ها:** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.  
(Email: [ayalameha@yahoo.com](mailto:ayalameha@yahoo.com) : نویسنده مسئول)

#### COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

### Introducing the authors

**Mohammad Taghi Maghsoudi:** PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.  
(Email: [maghsoudi.mt155@gmail.com](mailto:maghsoudi.mt155@gmail.com))

**Ahmad Reza Yelmehaha:** Professor, Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.  
(Email: [ayalameha@yahoo.com](mailto:ayalameha@yahoo.com) : Responsible author )